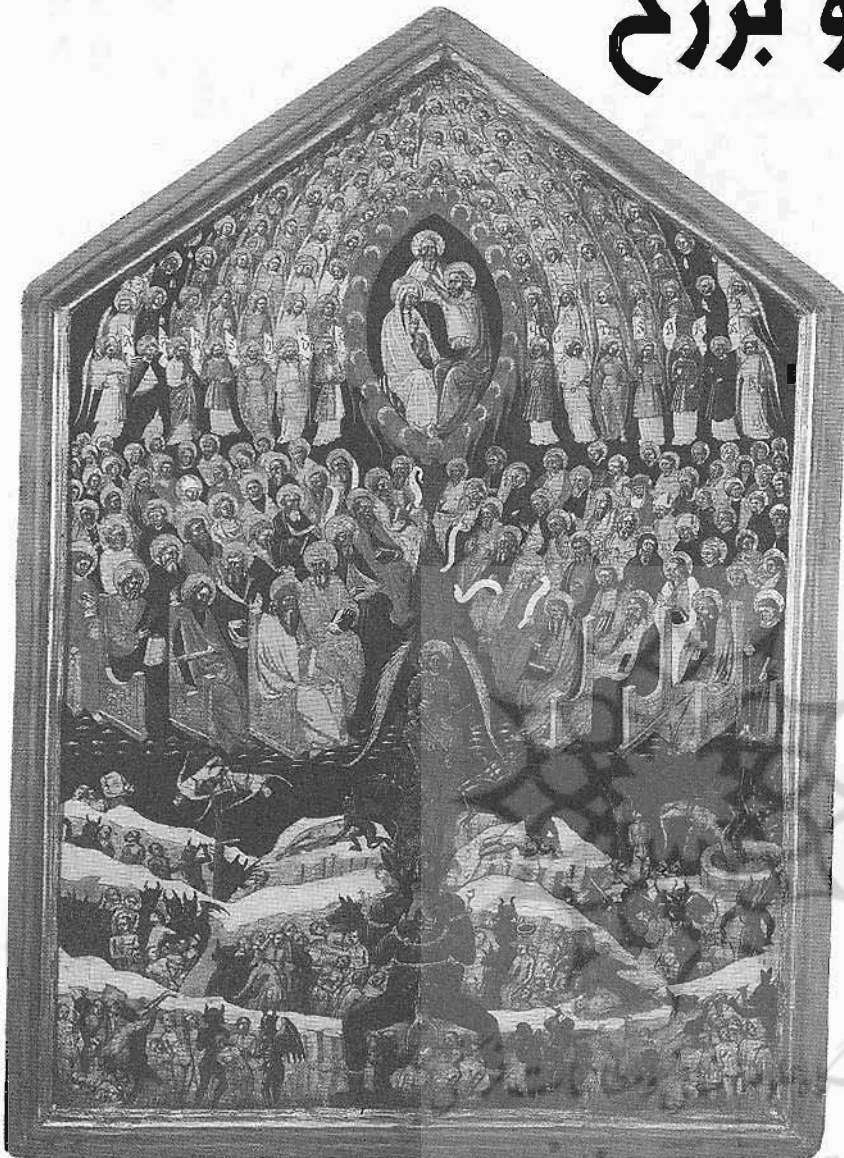


اروپای سده‌های میانه: دوزخ، بهشت و برزخ

ژاک لوگوف



**کلیسای مسیحی غرب
در سده‌های میانه نظام پیچیده‌ای
از دنیای پس از مرگ خلق کرده بود
که بیشتر برپایه ترس عمل می‌کرد**

دنیای پس از مرگ برای مردان و زنان مغرب‌زمین در سده‌های میانه در اساس جهان آخرت مسیحی بود. مسیحیت مجموعه‌ای است از میراث‌های پیش از خود، به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از میراث‌های شرک یونانی - رومی، مذهب‌ها و باورهای شرقی و تورات و یهودیت. با این حال، مسیحیت به‌ویژه برپایه انجیل و آموزه‌های آن استوار است.

مسیحیت مذهب رستگاری است، مذهبی که در سال‌های آغازین تاریخ مسیحیت («عصر اضطراب») شکوفا شد. دل‌مشغولی اصلی این عصر زندگی پس از مرگ بود و فقط به «وضعیت» پس از مرگ مردان و زنان مربوط نمی‌شد، بلکه به مکان زندگی پس از مرگ نیز توجه داشت.

در واقع، مسیحیت به رستاخیز بدن‌ها پس از مرگ اعتقاد دارد و رستاخیز مسیح را پس از مرگ زمینی بر صلیب، الگو و تضمینی برای آن قرار داده است. سرنوشت انسان دوباره جان گرفته بستگی به اراده خداوند قادر متعال دارد؛ اما بنابر قاعده‌هایی که خداوند مقرر کرده است، موقعیت مردان و زنان در جهان آخرت بستگی دارد به رفتار آنان در طول زندگی زمینی‌شان. یک نظام دوتایی، مکان‌های زندگی پس از مرگ و ساکنان آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. پس از رستاخیز که در واپسین روز جهان است، «خوبان» برای همیشه در مکان لذت‌ها یعنی بهشت زندگی خواهند کرد و «بدان» محکوم‌اند که تا ابد در مکان شکنجه‌ها یعنی دوزخ به سر برند.

می‌بایست میان بهشت جهان آخرت (بهشت ملکوتی) و بهشت زمینی یا عدن که تصویر آینه‌وار و جاودانه بهشت ملکوتی است تمایز قایل شد. همچنان‌که «دوزخ» که مکان شکنجه دوزخیان و ملعونان ابدی است، با جهنم‌هایی که بسیار شبیه عالم اسفل یهودیت (شئول، Sheol) و برزخ یونانی - رومی (Hades یا Tartarus) است تفاوت دارد. در این جهنم‌ها، درستکاران و پرهیزکارانی که پیش از مسیح

بوده‌اند (از جمله آدم و حوا، نخستین زوج انسانی) به انتظار مسیح می‌مانند تا او بیاید و آنان را رهایی بخشد.

بهشت و دوزخ،
نقاشی متعلق به سده پانزدهم
از مکتب بولونیا (ایتالیا).

منتظران بهشت

از همان سده‌های نخست مسیحیت و در سده‌های میانه، جهان آخرت موضوع مجموعه‌ای کامل از ادبیات و متن‌های جعلی و روایت‌ها در حاشیه مذهب راست‌گیش (ارتدکس) کاتولیک شد. جهان آخرت که یکی از عرصه‌های اصلی تخیل سده‌های میانه بود، الهام‌بخش ادبیات داستانی و شمایل‌نگاری غنی‌ای شد که از خلاقیت بارور هنرمندان سده‌های میانه نشان داشت.

مسیحیان از همان آغاز با مسئله مهم نظام روز قیامت - دوزخ - بهشت روبه‌رو بودند و خیلی زود مکان‌های آخرت نسبت به زمین مشخص شد: دوزخ



به این پرسش که آیا برگزیدگان در مکانی خاص به انتظار رستاخیز می‌مانند یا نه پاسخ‌های متفاوتی داده شده است. در سده‌های نخست مسیحیت، این مکان را همچون عرشی سرمازا (*refrigerium*) و کاملاً متضاد آتش سوزان جهنم تصور می‌کردند. برداشت دیگر که تا سدهٔ سیزدهم میلادی دوام داشت و شمایل‌نگاری‌های بسیاری را برانگیخت، برگزیدگان را در آغوش ابراهیم به انتظار روز رستاخیز می‌نشانند. در هر حال، برای این مردگان برگزیده هیچ مجازات و درد و شکنجه‌ای وجود نداشت، هرچند آنان از بزرگ‌ترین سعادت یعنی فیض دیدار خجسته با خداوند که برگزیدگان قطعی در بهشت از آن برخوردارند، محروم بودند. این دیدگاه‌ها با مطرح شدن برزخ در سدهٔ دوازدهم منسوخ شد.

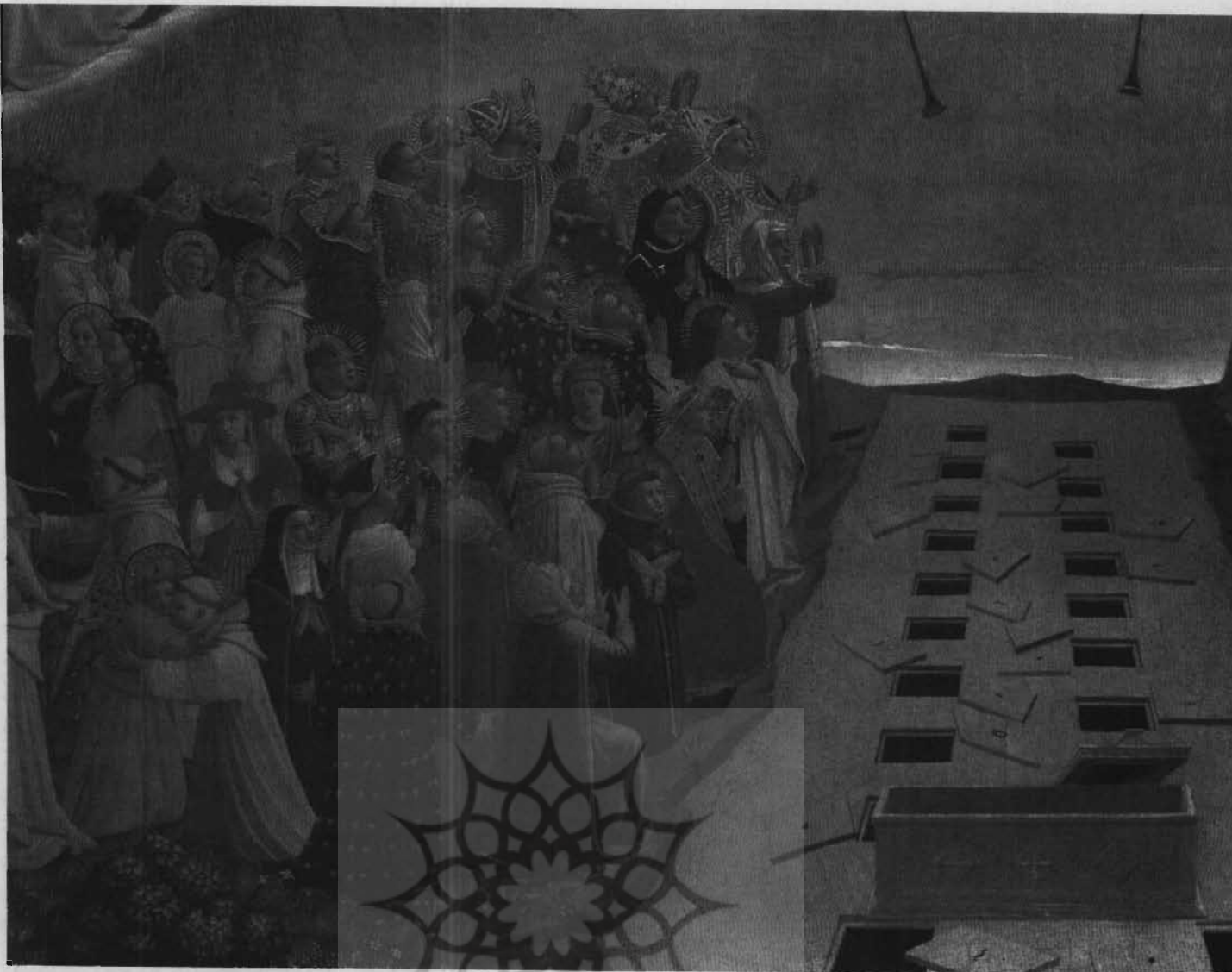
سفرهایی با راهنما

حال انسان میرا چگونه می‌تواند در طول زندگی خود دست‌کم با ویژگی‌های اصلی دوزخ و بهشت آشنا شود؟ صرف‌نظر از اطلاعات ضعیفی که انجیل و آموزه‌های آن در اختیار زندگان می‌گذارد، انسان‌ها می‌توانند به کمک روایت‌های کسانی که به جهان آخرت سفر کرده‌اند با این ویژگی‌ها آشنا شوند. این روایت‌ها که در ادبیات زندگی بعد از مرگ یهودیت و

در زیرزمین قرار داشت و بهشت در آسمان، و بدین‌ترتیب واژهٔ بهشت و آسمان مترادف بودند. با این حال، نقشهٔ جهان آخرت برای مدت‌های مدید چندین آسمان را از یکدیگر متمایز می‌کرد که بهشت از همه بالاتر و عرش اعلا بود. به‌طور کلی، دو عرش وجود داشت: عرش طبیعی یا آسمان که شناخت آن با علم بود (سده‌های میانه بسیار وام‌دار کیهان‌شناسی یونان باستان بود) و عرش ماورای طبیعی که منزلهٔ جاودانهٔ خداوند و برگزیدگان محسوب می‌شد.

دو پرسش اساسی در مورد جهان آخرت مطرح بود: یکی زمان روز قیامت که خداوند در آن روز مردگان را به بهشت یا جهنم خواهد فرستاد و دیگری امکان تعویق دآوری نهایی از زمان پس از مرگ فرد تا روز قیامت.

در مورد پرسش نخست دو برداشت وجود داشت که هر دو مورد پذیرش کلیسای سده‌های میانه بود. از دید برخی، همهٔ مردگان در انتظار روز قیامت در آخر زمان می‌مانند تا در آن روز به سرنوشت نهایی خود پی ببرند. از دید برخی دیگر، خداوند برگزیدگان بی‌چون و چرا، به عبارتی قدیسان را بی‌درنگ پس از مرگ به بهشت می‌فرستد. این قدیسان یا از روز قیامت مستثنا هستند یا این روز برای آنان فقط جنبهٔ تشریفاتی دارد و نتیجهٔ آن را از پیش می‌دانند.



بالا، روز قیامت (داوری نهایی)
اثر فرا آنجلیکو، نقاش ایتالیایی
(۱۴۵۵-۱۴۸۷)، برگزیدگان
در سمت چپ و دوزخیان در سمت
راست تصویر شده‌اند.

مسیحیت ریشه دارد، از سده هفتم میلادی به بعد در مغرب‌زمین لاتین‌زبان گسترش یافت. این روایت‌ها از زبان کسانی است که به فیض دیدار دوزخ و بهشت (به استثنای صحن قدیسان بهشتی که خداوند پنهان از دیده مسافران در آنجا سکنا دارد) نایل شده‌اند. این سفرها را اغلب فرشته یا مَلِک مقربی راهنمایی می‌کرده‌است.

روایت‌های اصلی لاتینی از این سفرها به صورت دیدارهایی است که به‌ویژه کشیشان به فیض آن نایل می‌شدند، چون صومعه‌ها به منزله مکان میانجی زمین و جهان آخرت به‌شمار می‌آمدند. در سده دوازدهم پک راهب انگلیسی فرقه سیسترسیان سفر شهسوار اثن (Owen) را به «برزخ پاتریک قدیس» در ایرلند روایت می‌کند. این روایت با دادن مکانی خاص به برزخ، سهم بسزایی در تغییر چشم‌انداز جهان آخرت دارد.

توصیف‌های این روایت‌ها از بهشت و دوزخ نشان می‌دهد که بیشتر تصویرهای مسیحیت از جهان آخرت برگرفته از منابع پیش از مسیحیت است. این توصیف‌ها به استثنای دو درونمایه بهشتی یعنی باغ عدن و اورشلیم ملکوتی، کمتر وام‌دار تورات یا سنت یهود است. یهودیت خط روشنی بین گور و جهان آخرت نمی‌کشد و عالم اسفل دین یهود (شئول)،

جهانی است محزون و تیره که به وصف نمی‌آید. تصویرهای اصلی شکنجه‌های دوزخی برگرفته از هندوستان و به‌ویژه ایران و مصر است. در اسطوره‌های یونان باستان، ارفئوس، پولوکس، تسئوس، هراکلس و اودوسئوس (در کتاب ششم اودیسه) همگی به دوزخ می‌روند؛ اما با این حال، میراث اصلی در این مورد برگرفته از روم است، یعنی سفر آینیاس (Aeneas) به دوزخ در کتاب ششم اینئید اثر ویرژیل. جهان آخرت دوگانه در زیرزمین جای دارد که برای رسیدن به آن باید از یک دهلیز پایین رفت و از میدان‌هایی که روح مردگان بدون گور در آنها سرگردان‌اند عبور کرد و از رودخانه سستیکس گذشت تا به یک دوراهی رسید که در سمت چپ آن تارتاروس (دوزخ) و در سمت راست میدان‌های الیزه (بهشت) قرار دارد.

ویژگی‌های اصلی تصویر مسیحیت از جهان آخرت در ابتدای سده‌های میانه شکل گرفت.

عذاب‌ها و لذت‌ها

تحمل عذاب‌ها یا برخورداری از لذت‌ها به دو طریق مشخص می‌شود: یا با داوری نهایی روز قیامت که جمعی است، یا با داوری فردی، در داوری نهایی روز قیامت، مسیح نقش اصلی را ایفا می‌کند. او همانند

قاضی دادگاه‌هایی که یادآور عدالت در روم باستان است، پس از مراجعه به دفاتر اعمال خوب و بد انسان‌ها که فرشتگان نگهداری می‌کنند حکم صادر می‌کند. در داوری فردی، لحظه اصلی لحظه توزین روح‌ها پس از رستاخیز است. جبرئیل (ملک مقرب) با یک ترازوی بزرگ روح‌ها را وزن می‌کند و پطرس مقدس (نگاهبان بهشت) و شیطان (ارباب دوزخ) در کنار او ایستاده‌اند و با سنگین کردن این یا آن کفه ترازو، بر سر تصاحب روح‌ها با یکدیگر در رقابت‌اند. پس از صدور حکم، پطرس مقدس درهای بهشت را می‌گشاید و برگزیدگان به بهشت می‌روند و از سوی دیگر، دوزخیان به قعر دوزخ فرو می‌افتند.

بهشت مکان آرامش و شادمانی است و حس‌های پنجگانه برگزیدگان در آنجا از لذت‌ها بهره می‌برند: گل‌ها و نورها برای چشم‌ها، آوازاها برای گوش‌ها، رایحه‌های مطبوع برای بینی، میوه‌های لذیذ برای دهان و پارچه‌های لطیف مخمل برای انگشتان (برگزیدگان عقیق ردهایی سفید و زیبا بر تن دارند، هرچند فقط چند هنرمند آنان را در حالت برهنگی معصومانه پیش از هبوط از عدن تصویر کرده‌اند). گاهی بهشت با دیوارهایی بلند از سنگ‌های گران‌بها تصویر می‌شود که مکان‌هایی هم‌مرکز را دربر می‌گیرد و این مکان‌ها نیز با دیوارهایی محصور شده‌اند و هرچه به مرکز بهشت، یعنی منزلگه خداوند که دیدار خجسته‌اش محفوظ است، نزدیک می‌شویم مکان‌ها نورانی‌تر و عطرآگین‌تر و مطبوع‌تر و خوش‌آهنگ‌تر می‌شوند. در سفر پیدایش، بهشت باغی است با اقلیم واقعی و مطابق با اسطوره‌پردازی‌های شرقی. در باور سده‌های میانه جهان غرب که جهانی است با شهرهای قدیم و جدید، بهشت همچون شهری است با دیوارهای بلند و مطابق با الگوی اورشلیم ملکوتی. این بهشت فقط مختص خوبان غسل تعمید داده شده است، چه، غسل تعمید شرط لازم (و نه کافی) برای ورود به بهشت است.

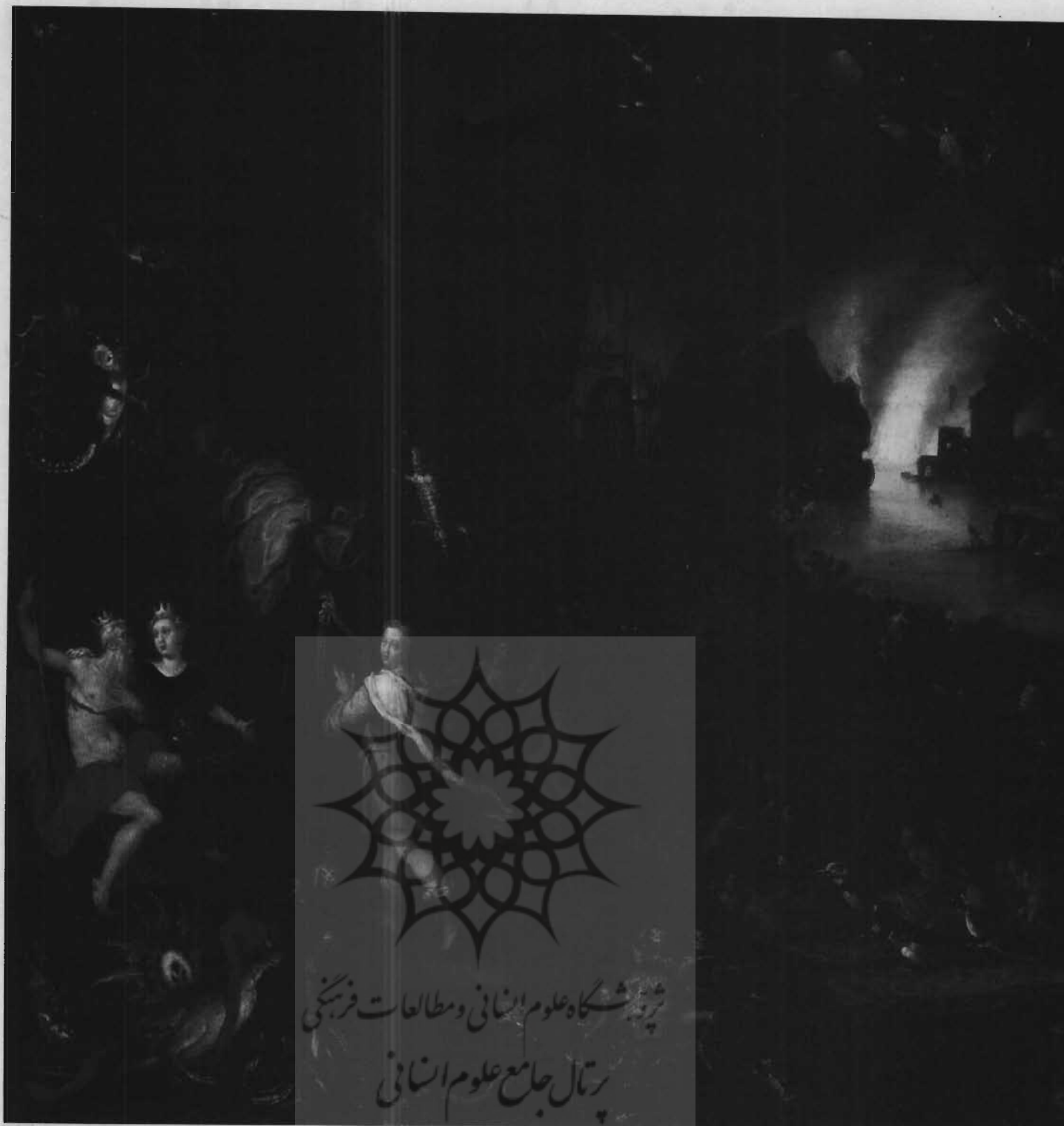
برزخ

دوزخ مکان آتشی خاموش‌نشده‌ای است که بی‌وقفه دوزخیان را می‌سوزاند، جهانی از تاریکی‌ها و فغان‌های هولناک و بوی گند که فقط دودهای تیره و درخشش سرخ دهشتناک روشنی‌بخش آن است؛ جهنمی سرخ و سیاه. بدتر از همه، اینکه دوزخیان برای همیشه محکوم به تحمل شکنجه‌های بی‌رحمانه به دست اهریمنان هولناک‌اند. نمای دوزخ نمایی است دهشتناک با کوه‌هایی شیب‌دار و دره‌هایی عمیق و رودها و دریاچه‌هایی بدبو و لبریز از فلزهای گداخته و خزندگان و هیولاها. راه رسیدن به دوزخ یا افتادن در یک چاه است یا عبور از پرتگاه‌ها، آن هم بر پلی که دم‌به‌دم باریک‌تر و لغزنده‌تر می‌شود. گاهی دوزخ به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود که دسته‌های متفاوتی از گناهکاران دوزخی را در خود جای می‌دهند. گاهی نیز دوزخ به صورت مجموعه‌ای واحد تصویر می‌شود، مجموعه‌ای واحد با میدان‌هایی که هر یک مختص مجازات خاص است یا مجموعه‌ای

اورفئوس (آرفه) در دوزخ (۱۵۹۴)،

رنگ روغن روی مس
اثر یان بروگل معروف به
بروگل مخملی، نقاش اهل فلاندر
(۱۶۲۵-۱۵۶۸).

واحد با طبقه‌هایی مختلف که از هر طبقه به طبقه دیگر تاریک‌تر و سوزنده‌تر می‌شود تا اینکه سرانجام به قعرنهایی که منزلگه شیطان است منتهی می‌گردد. هر چند تصویر مسیحیت سده‌های میانه از جهان آخرت بسیار وام‌دار جهان آخرت مشرکان [یونانی - رومی] است، اما تفاوت اساسی ساختاری با یکدیگر دارند. از دیدگاه مسیحیت، دوزخ و بهشت در کنار هم و در زیرزمین قرار ندارند بلکه بر محوری عمودی و متوفا برای کوتاه کردن مدت اقامت در برزخ ادا می‌کردند. و سوم اینکه کلیسا می‌توانست در مقابل دریافت پول، بخشش مدت اقامت برخی از متوفایان را بخرد. همین اغماض و گنجهت بود که از سده سیزدهم میلادی به بعد، تجارت رو به رشدی را برای کلیسا به همراه داشت. باید افزود که برزخ راهی یک‌طرفه است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

سهام بسیار زیادی در تأیید فرد در مقابل گروه و فرقه داشت. این مکان ساختارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری جهان زندگان را تغییر داد و یک محاسبه‌گری گناه و کیفر را پدید آورد تا در این مقطع تاریخی که تجارت و طبقه بازرگان به سرعت رشد می‌کرد، نوعی «حسابداری جهان آخرت» را به بار آورد. هم‌چنین این مکان سوم قدرت کلیسا را (که در سده سیزدهم وجود برزخ را به یک اصل ایمانی بدل کرده بود) بر مردگان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزود، چون کلیسا با برعهده گرفتن شفاعت‌ها و اغماض‌ها، از اقتداری برخوردار شد که در گذشته فقط به خدا تعلق داشت. یعنی اقتدار اجرای عدالت در جهان آخرت برزخ. در این دوران که جامعه‌ای نوین در میانه سده سیزدهم بر زمین استقرار یافت، جغرافیا و نظام جهان

که فقط به بهشت می‌انجامد و راهی به جهنم ندارد. این «سومین مکان»، از شمار دوزخیان می‌کاست و نظامی پیچیده‌تر و انعطاف‌پذیرتر و متناسب با تحول «وضعیت‌ها»ی اجتماعی روی زمین را به جای آن نظام دوقطبی جهان آخرت می‌نشانند. این مکان بسیار مهم بود. برادران فرقه‌های فقیران که در ابتدای سده سیزدهم پیدا شدند (دومینیکیان و فرانسیسیان) این دیدگاه را به‌طور گسترده‌ای انتشار دادند.

پیروزی مرگ

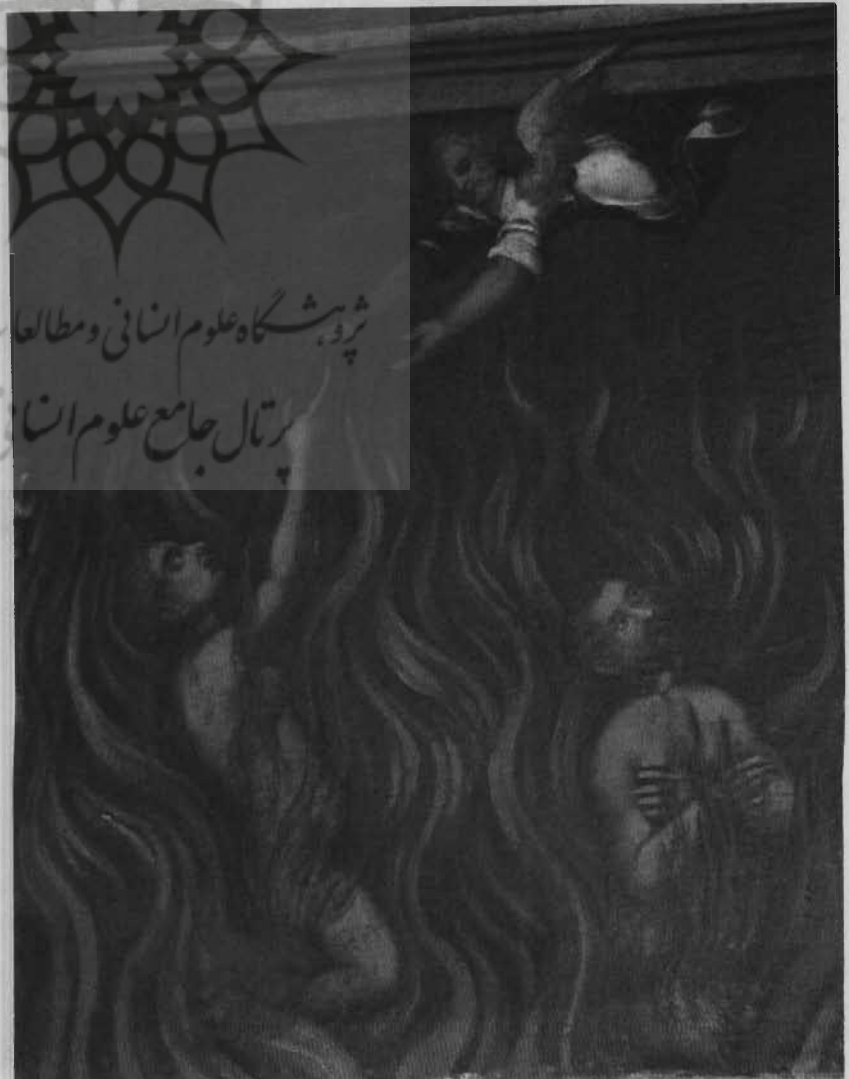
این مکان سوم موجب پیروزی اندیشه داوروی فردی در زمان مرگ شد، و با تکمیل نظام اجباری اعتراف فردی برای تمامی زندگان (دست‌کم سالی یک بار که در چهارمین شورای لاترن در سال ۱۲۱۵ مقرر شد)،

آخرت (جغرافیا و نظام جهان آخرت برنار قدیس و توماس آکویناس قدیس) کاملاً شکل گرفت. دو مکان دیگر یا به عبارتی دو برزخ دیگر به این نظام بنیادی «سه مکان» یعنی دوزخ و برزخ و بهشت افزوده شد: برزخ مطران‌ها (Limbus patrum) - اقامتگاه پیشین دادگرانی که پیش از تجسم خدا در کالبد مسیح و پیش از استقرار مراسم غسل تعمید مرده‌اند - که مسیح وقتی به دوزخ‌ها فرود می‌آید ساکنان آن برزخ را به بهشت می‌برد و آن را خالی از سکنه می‌کند؛ و برزخ کودکان (Limbus infantium) که اقامتگاه کودکانی است که پیش از غسل تعمید جان داده‌اند.

این آرایش نوین جهان آخرت الهام‌بخش کمی‌الهی دانته، شاهکار ادبیات سده‌های میانه (ابتدای سده چهاردهم) بود. شاعر در این اثر با راهنمایی ویرژیل در تطابق نمادی با نمایش مسیحیت از فضااست: بهشت و خوبی در بالا، دوزخ و بدی در پایین.

سرانجام نباید فراموش کرد که میان مردگان و زندگان، میان خداوند و شیطان و انسان در زمان و مکان، روابط و پیوندهایی برقرار است که حضور جهان آخرت ابدی در زندگی زمینی است. فرشتگان به‌طور مداوم میان بهشت و زمین در رفت و آمدند. مسیح و مریم عذرا نیز به‌ندرت از بهشت به زمین می‌آیند و باز می‌گردند. اهریمنان خبیث و خود شیطان

در برزخ شبیه به دوزخ، فرشتگان دست‌هایشان را به‌سوی روح‌هایی که کیفرشان به پایان رسیده دراز می‌کنند. نقاشی دیواری متعلق به سده هفدهم در کلیسای سن - لوران در دره تینه واقع در جنوب فرانسه.



نیز میان دوزخ و زمین در رفت و آمدند. جدا از سفرهای نادر تنی چند از ممتازان به جهان آخرت، رؤیت‌ها و معجزه‌ها و آیت‌ها همان چیزی است که اروپای سده‌های میانه به‌منزله رابطه میان این جهان و جهان آخرت می‌دید.

رکن اساسی نظام مسیحیت نه بهشت که دوزخ بود. کلیسای کاتولیک برای ترغیب مسیحیان به تلاش برای رستگاری، بیشتر ترس از دوزخ را به آنان القا می‌کرد تا نوید بهشت. مسیحیان برابر مرگ، بیشتر از دوزخ می‌ترسیدند تا از خود مرگ. بنابراین مسیحیت به‌رغم برخی تفاوت‌ها، مذهب ترس شده بود.

ویژگی دو قطبی جهان آخرت مسیحیت، تا سده دوازدهم کم و بیش بدون تغییر ماند. بعدها تغییر و تحول‌های عظیم دینی و اجتماعی جامعه نوینی را پدید آورد که دیدگاهش را نه تنها در مورد این جهان بلکه نسبت به جهان آخرت تغییر داد.

آگوستین قدیس، انسان‌ها را به چهار دسته تقسیم کرده است: انسان‌های «کاملاً خوب» که تقدیرشان بهشت است؛ انسان‌های «کاملاً بد» که به دوزخ فرستاده می‌شوند؛ انسان‌های «نه کاملاً خوب» و انسان‌های «نه کاملاً بد» که سرنوشت‌شان نامعلوم است. چنین فرض می‌کردند، کسانی که در لحظه مرگ بار گناهانشان «سبک» است با تحمل «کیفرهای برزخی» در میان «آتش برزخی» که شبیه آتش دوزخ است و در «مکان‌های برزخی» که محلش بسیار مبهم بود، جا دارد از آنها رهایی یابند. در نیمه دوم سده دوازدهم میلادی، مکانی مستقل برای کسانی که گزینش‌شان در شمار برگزیدگان به تعویق افتاده بود مطرح شد. این مکان برزخ بود، «سومین مکان آخرت» و میانجی میان بهشت و دوزخ که در روز قیامت (داوری نهایی) از ساکنان خالی خواهد شد و تمامی آنان به بهشت می‌روند.

زمان اقامت در برزخ به سه عامل بستگی داشت. نخست اینکه این مدت متناسب بود با کمیت گناهان متوقفاً به هنگام مرگ: (گناهان «صغیر» که قابل بازخریدن و مانع افتادن فرد در دوزخ دور می‌شوند، در مقابل گناهان «کبیر» که قابل بازخرید نیستند). دوم بستگی داشت به شفاعت‌هایی (دعاها و صدقه‌ها و آیین‌های عشای ربانی) که خویشان یا دوستان شاعر روم باستان به تمامی مکان‌های جهان آخرت سر می‌زدند: میدان‌های دوزخ که دوزخیان را بسته به نوع گناهان کبیرشان در خود محبوس می‌کنند، و میدان‌های برزخ، برزخی که همچون کوهی نمایش داده می‌شود که باید از آن صعود کرد تا به زیبایی‌ها و شادی‌های بهشت رسید.

بررسی متن‌ها و تصویرهای سده پانزدهم این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مردان و زنان پایان سده‌های میانه به دوزخ باور داشته‌اند یا نه؟ به نظر می‌رسد که به‌رغم تلاش‌های کلیسا، این باور بسیار کاهش یافته بود. مسیحیان با بروز نشانه‌های ظهور یک حساسیت مدرن، دیگر آن قدر که از مرحله پیش از جهان آخرت یعنی از خود مرگ هراس داشتند از دوزخ نمی‌ترسیدند.